



وریشه مرادی پخشان عزیز

بمناسبت ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

بمناسبت ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴
روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان



KJAR

کمیته‌ی تحقیقاتی کژار



www.kjar.online.com



@kjar_2014



@kjaar2014



kjardiplomasi@gmail.com



kjarOnline



kjar_2014_official

کمیته‌ی تحقیقاتی جامعه‌ی زنان آزاد شرق کوردستان «کژار»

گزارشی از آمارهای اعدام زنان پس از انقلاب ژن ژیان نازادی

از روزهای آغازین انقلاب «ژن ژیان نازادی» جمهوری اسلامی از حربه‌ی اعدام به منظور سرکوب جامعه استفاده نمود و این روند روز به روز گسترش می‌یافت. در راستای ارائه‌ی بروشور و کتابچه‌های گوناگون در طول دو سال گذشته، این بار نیز سعی نموده‌ایم از آمار اعدام زنان و تحلیلاتی درباره‌ی علل افزایش اعدام زندانیان سیاسی، سخن بگوییم. هر چند که ممکن است آمارهای ارائه شده کافی نیست، اما امید که توانسته باشیم صدای زنان محبوس در بند و محکوم به اعدام باشیم.

با تشکر از همه‌ی آنانی که در این زمینه ما را یاری نمودند
کمیته‌ی تحقیقاتی کژار



سخن آغازین

از اعدام نه تنها بعنوان کیفر مرگ و یا مجازات برخی از جرایم مشخص و تعریف شده از جانب حاکمیت‌ها، بلکه همچون محور چرخه ی یک فرایند سیستماتیک که در آن خشونت، ترس و رعب تولید و بازتولید می‌شود باید نام برد. فرایندی که در آن جامعه و فرد برای پذیرش هرگونه ستم و استبداد تحمیل شده توسط همان حاکمیت جامعه ستیز، ابتدا توجیه و سپس محصور و در نهایت مجازات می‌شود.

برای درک صحیح از این موضوع لازم است اعدام را در لابه‌لای چرخه‌ی؛ تعریف جرم _ تصویب قوانین _ صدور و اجرای حکم اعدام و در نهایت بازتاب و تاثیر آن بر جامعه (که مهمترین بخش این چرخه می باشد) واکاوی نمود. چرخه ای که منتظر وقوع جرم از سوی افراد جامعه نیست، بلکه با شرایطی که حاکمان بر زندگی جوامع ایجاد نموده‌اند، فرد را به درون این چرخه کشانده و بسوی نقطه پایانی یعنی مجازات اعدام سوق می دهند. جرایمی که دولت‌ها برای اعمال مجازات اعدام تعیین و تعریف می‌کنند همان معضلاتی هستند که برای مهار و تسلیم نمودن جامعه، همچون دامی در بستر و مسیر زندگی آنان پهن می‌کنند.

استبداد برای بقای حیات خود، نیاز دارد که روزانه محور این چرخه را فعال نگهدارد و بر این منوال، بقای استبداد با سلب حیات از جامعه بر محور اعدام میسر می‌گردد. هدف بنیادین حاکمیت این است که از طریق اعدام، در جامعه ترس و رعب را بیشتر نماید و قدرت و نیروی خود را به جامعه نشان دهد، از همین روست که باید گفت، وجود چنین ترسی اگر منجر به سکوت و عدم موضع‌گیری جامعه در برابر جاه‌طلبی‌های حاکمیت گردد، ارزش و شایستگی‌های فرد و جامعه را هدف قرار داده و عرصه را برای نقطه مقابل آزادی و کرامت انسانی، یعنی ستم و خودکامگی می‌گشاید.

گام نخست حکومت‌های مستبد برای تولید این چرخه، تعریف و ایجاد ارزش‌های جعلی و جایگزینی آن با نرم و معیارهای برآمده از بطن جامعه و سپس وضع قوانین و تعیین مجازات سنگینی چون اعدام است. در نهایت نیز با اتهاماتی چون قتل، زنا، ارتداد، محاربه، بغی، افساد فی الارض و مواد مخدر، احکام کیفری مرگ را با عناوینی چون سنگسار، قصاص و اعدام‌های حدی و تعزیری توجیه و مشروعیت می‌بخشند.

اما آنچه حقیقت دارد این است که توجیهاات حکومتی که با استفاده گسترده از قوانین شرعی و احکام دینی صورت می‌گیرد نباید مورد مقبولیت جامعه قرار گیرد چرا که علاوه بر اینکه اهداف مورد نظر حاکمان، اعدام بعنوان یک اقدام خشونت آمیز، نه تنها قدرت بازدارندگی جرایم جعلی و تحمیلی بر جامعه را ندارد بلکه موجب بازتولید خشونت و توحش می‌گردد به گونه‌ای که بارها مشاهده کرده‌ایم فرد با ابتکار عمل خویش اقدام به مجازات دیگران نموده و مرتکب قتل می‌گردد. در این زمینه زنان بیشترین قربانیان اعدام‌های خارج از محکمه‌های حکومتی هستند و باید قتل زنان در خانواده و جامعه تحت هر عنوانی را بخشی از اعدام‌های حکومتی دانست که سیستم حاکم آن را بدست خود جامعه سپرده است و بخش بزرگی از این فجایع ناشی از تاثیر خشونت دولتی و چرخه اعدام در جامعه می‌باشد.

با مروری بر تاریخچه، وضعیت اعدام‌ها پس از انقلاب "ژن ژیان نازادی" و آماری از قربانیان اعدام و همچنین با اشاره به مقاومت زنان مبارز محکوم به اعدام در زندان و نیز واکنش و فعالیتهای صورت گرفته علیه صدور و اجرای احکام اعدام، بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

تاریخچه

از دیرباز تاکنون جوامع انسانی تحت حاکمیت حکومت های دینی و خودکامه، که برای تسهیل دستیابی به اهداف و بقای خود از حربه‌های مختلف مجازات اعم از حبس و تبعید و نیز مجازات‌های غیرانسانی مانند اعدام افراد استفاده کرده‌اند، مواجه بوده است. مجازات اعدام بطور کلی تمام اصول اخلاقی و کرامت انسانی را به چالش کشیده است. طبق مطالعات تاریخی حتی سده‌های قبل از میلاد مسیح و دوران فرمانروایی حمورابی پادشاه بابل این احکام در قالب و اشکال گوناگون جاری بوده که این نشان از ذهنیت مستبد حاکمیت از گذشته تا کنون است. با ظهور دموکراسی و تکامل سطح اجتماعی انسانی و وجدان‌گرایی کم کم نقش اعدام‌ها کم‌رنگ‌تر شده و مجازات‌های جایگزین برای این احکام به منظور کاهش بار روانی آن بر جامعه و ایجاد فرصت جبران و ادامه حیات برای مجرمین بوجود آمده است. ولی با وجود همه‌ی تلاش‌ها و تحقیقات علمی که در این زمینه طی سالیان متمادی صورت گرفته می‌بینیم در مناطق گسترده‌ای از دنیا بلاخص در میان حکومت‌های آسیایی و بویژه حکومت های دینی و جوامع اسلام گرا این حکم شنیع کماکان خطرناک‌ترین سلاح در دست رهبران دینی و سیاسی است

که عمده شیوه‌ی حکومت‌داری آنها بر اساس آموزه‌های دینی و تفسیرهای گوناگون در راستای پیشبرد منافع خود حاکمیت است.

البته ناگفته نماند اعدام‌های سیاسی در کشورهای مختلف طی سده‌های گذشته از جمله اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز در جایگاه خود قابل چشم پوشی و اغماض نبوده و نیستند. برای نمونه انقلاب فرانسه که برای از میان بردن مخالفان خود و سرکوب حداکثری حتی از اختراع گیوتین هم دریغ نمودند و همچنین قتل عام حدود ۳۰۰۰۰ هزار نفر از پروتستان‌ها در روز ۲۴ اوت ۱۵۷۲ میلادی که مصادف بود با جشن مذهبی سن بارتلمی توسط کاتولیک‌ها به رهبری و تحریک کاترین دومدیسسی و خانواده گیز. یا اعدام‌های دسته‌جمعی بومیان آمریکا در سال ۱۸۶۲ به دست مهاجرین در طول جنگ و دفاع مشروع بومیان آمریکا از سرزمین خود که لکه ننگی بر پیشانی دموکراسی پوشالی غرب است. امروزه به دلیل آگاهی مردم و خرد جمعی و ناکارآمد بودن احکام دینی در عصر حاضر برای حکومت داری رهبران دینی و ضد سکولار چالش و خلأ جبران ناپذیری به وجود آمده است که آنها را دچار سردرگمی نموده و شکاف عمیقی میان دولت با ملت ایجاد نموده است و چون تمام آموزه‌های حکومت‌داری آنها برای قرن‌ها پیش و دوران گذشته بوده است و با سرشت انسانی و اجتماعی اکنون سازگاری ندارد و همچنین نداشتن ایده‌ای برای پر کردن شکاف و خلأ به وجود آمده، این حاکمان نیز برای دوام و بقای حکومت خود متکی به استفاده حداکثری احکام اعدام از جمله بگی و محاربه و افساد فی الارض و همچنین دادن فتوای ملاگرایانه منسوخ شده راجع به مخالفان خود و حتی فعالین مدنی می‌باشند.

همگام با تمامی حاکمیت‌های ضدبشری در طول دوران تاریخ و در جهان، در جغرافیای سیاسی ایران نیز حکم اعدام رایج بوده که در حال حاضر نیز بیشترین آمار اجرای اعدام و صدور احکام سنگین، خصوصاً علیه فعالان سیاسی و زنان، در جهان مربوط به ایران می‌باشد. به درازای تاریخ و در پیدایش حاکمیت عده‌ای بر عام، مخالفت و اعتراض شکل گرفته و عقاید مختلف نیز در تقابل همدیگر بوده‌اند. اما برخورد با مخالفان و دگراندیشان از سوی زمامداران همواره با خشونت آمیخته بوده است. بخش وسیعی از اعدام‌های صورت گرفته در طول تاریخ ایران نیز سیاسی بوده و با روش‌های گوناگون به اجرا درآمده است. روش‌هایی غیر انسانی و وحشیانه‌ای چون سر بریدن، دارزدن، آتش زدن، به توپ بستن، به میخ کشیدن و گچ گرفتن در ملاء عام تنها برای مجازات و سلب حیات از یک فرد نمی‌تواند باشد بلکه در اصل برای ایجاد وحشت در میان جامعه

برای خودداری از ابراز هرگونه مخالفت با حاکمیت صورت گرفته و می‌گیرد. هرچند که در دوران معاصر ایران از دوره سلطنت قاجار و مشروطه تا به سلطنت پهلوی و اکنون که حاکمیت ولایت مطلقه فقیه در جریان است تغییراتی در شیوه‌ی صدور و اجرای حکم اعدام و تدوین قوانین و ایجاد دستگاه‌های قضایی صورت گرفته اما حکم اعدام همچنان با استفاده از مبانی احکام دین اسلام در پاسخ به ناهنجاری‌های اجتماعی و نیز برخورد با مخالفان سیاسی و عقیدتی رو به گسترش بوده بگونه‌ای که حتی نزدیکترین افراد و منسوبان حکومتی نیز، در صورت تشخیص حاکمیت، از آن در امان نماندند. در این دوران تشکل و گروه‌های سازمان یافته سیاسی، عقیدتی و نظامی که بر اصل مخالفت با نظام‌ها و ایجاد تغییرات شکل گرفته بودند بیشترین سهم از اجرای احکام اعدام و مجازات سنگین را متحمل گشتند.

بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و سقوط نظام پهلوی و با آغاز حاکمیت نظام ولایت مطلقه فقیه بر ایران، این رژیم با الهام از نظام‌های ماقبل و نیز با اتکاء به ماهیت ضدبشری و ارتجاع دینی خود، چهره‌ای خونین از خود نشان داد. از همان آغاز و با انتصاب تیمی از خونخواران با ریاست صادق خلخالی بعنوان قاضی شرع، حاکمیت اسلامی دستگاه و چرخه اعدام خود را با اعدام سران و وابستگان نظام ساقطی شروع نمود، که آن نظام نیز در اعدام مخالفان خود جنایات بسیاری را مرتکب شده بود. چرخه اعدام و این فرایند ضدبشری در طول دوران تاریخ با توجه به میزان استبداد حاکمیت در تغییر بوده است. اما گویی این فرایند در طول دوران حاکمیت ولایت فقیه سیر صعودی خود را در پیش گرفته که بدون شک نشان از افزایش خواست استبداد این نظام است. دهه شصت و تنها چند سال پس از انقلاب دستگاه اعدام و کشتار جمعی رژیم مخالفان خود اعم از احزاب و گروه‌های سیاسی و عقیدتی و زنان را بصورت گسترده و وحشیانه‌ای مورد هدف قرار داد و سایه‌ی اعدام تمامی جوامع ایران را فرا گرفت.

از جمله این اعدام‌ها می‌توان به اعدام بهائیان، اعدام‌های گسترده و ده‌سته‌جمعی هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، اعدام‌های صحراپی و پنهانی، اعدام معترضان در خیزش‌های دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸، اعدام‌های فعالین کورد و بلوچ و عرب، اعدام نوکیشان و دین ناباوران، اعدام‌های زنان، اعدام کودکان و نوجوانان، اعدام‌های کیفری قصاص و نیز اعدام به جرم تجارت مواد مخدر، اعدام اتباع کشورهای خارجی و همچنین صدور احکام اعدام در پی انقلاب "ژن ژیان نازادی" و قتل‌های تحت شکنجه اشاره نمود. در میان تمامی این دوره از اعدام و

کشتارها آمار قابل توجهی مربوط به زنان می‌باشد و از روز قدرت گرفتن این نظام تا به اکنون هیچ حاکمیتی بیشتر از حاکمیت ایران زنان را اعدام نکرده است. حاکمیت جنسیت‌گرای ایران، از یک سو با تکیه برلویح و قوانین تصویب شده در مجلس و فتوایهای برآمده از مسجد، هویت، حقوق و ارزش‌های زنان را نادیده و نابود ساخته است و از سوی دیگر در دوران دادرسی و محاکمه زنان نیز با تشکیل دادگاههای نمایشی و فاقد عدالت و بدون امکان و شرایط دفاع و با اعمال شکنجه در دوران بازجویی و اعتراف اجباری، زنان را محکوم به احکام سنگین و اعدام می‌کند.

وضعیت اعدام‌ها پس از انقلاب "ژن ژیان نازادی"

در پی قتل حکومتی ژینا امینی دختر کورد در تهران و خبر رسانی این جنایت توسط روزنامه نگاران زن، انقلاب "ژن ژیان نازادی" آغاز گردید. این جنبش با محوریت نقش زنان و نیز بر مبنای مفهومی شعار "زن زندگی نازادی" شعله‌ور گشت. مشارکت و ایستادگی و پیشاهنگی زنان در تمامی میدان‌های مبارزاتی این انقلاب بگونه‌ای گسترده بود که این خیزش انقلابی را با ماهیتی متفاوت و رادیکال‌تر از دیگر خیزش‌ها متمایز می‌ساخت. این انقلاب به نقطه عطفی در طول تاریخ مبارزاتی زنان در ایران و شرق کوردستان مبدل گشت که در راستای احقاق حقوق زنان و جامعه، بعدی فلسفی و نوین در پیش گرفته بود. پیشگامی زنان و جوانان در این جنبش و نیز خواست و رنج مشترک زنان، وحدت قابل توجهی را در شکل‌گیری اعتراضات بوجود آورد. اتحادی که ایجاد آن در توان هیچ قشر و طبقه دیگری نبود.

نقش زنان، خواستگاه و ایده‌ی متمرکز در این انقلاب نه تنها پایه‌های رژیم را متزلزل ساخت و اقتدارش را به مرز نابودی کشاند، بلکه مقبولیت و مشروعیت نظام در جامعه را نیز بطور کلی از میان برد. سرکوب‌های خونین و نیز ضربات سوداگران اپوزیسیون نما در خارج از کشور امکان کنترل خیابان را برای رژیم فراهم ساخت. حاکمیت پس از این مرحله ضمن دوباره نادیده گرفتن خواسته‌های جامعه در پی تدابیری برآمد که هم انتقام خود از معترضان و مخصوصاً زنان را گرفته باشد و هم با ایجاد فضایی امنیتی‌تر از گذشته و ایجاد ترس و وحشت و دستگیری‌های غیر قانونی و احکام اعدام، زنان و کل جامعه را به عقب بکشاند. ماهیت این انقلاب که با پارادایمی نوین و رویکردی دموکراتیک برای گذار از سیستم دیکتاتور و ناکارآمد کنونی و با نیروی مهارنشدنی زنان و جوانان شکل گرفت برای رژیم ایران نیز شناخته شده بود. انقلابی فرهنگی-اجتماعی که

در مدت زمان کوتاهی توانست تغییرات بنیادین و اساسی در ذهنیت جامعه ایجاد کند صد البته که از منظر رژیم نیز بعنوان جدی‌ترین تهدید و بزرگترین خطر در طول دوران حاکمیت شناخته می‌شود. بر همین مبنا می‌بایست که در تدابیر خود زنان را به گونه‌ای مضاعف مورد هدف نابودی قرار دهد و این حقیقت در روند فشار و دستگیری، زندان و اجرای احکام اعدام زنان نمایانگر است، که بدون شک در آینده تلاش خواهد نمود با وضع قوانین سخت گیرانه‌تر و افزایش نهادهای امنیتی و پلیسی عرصه را بیشتر از آنچه که هست بر زنان تنگ کند.

حال در این میان می‌بینیم که ماشین کشتار جمهوری اسلامی نیز توان عملیاتی خود را از دست داده و دیگر یارای دفاع از خود در برابر عزم مردم و حتی هجوم و حمله دولت‌های خارجی را ندارد ولی با وجود این تفاسیر اگر در مقابل این سیستم نسل کشی چاره‌ای اندیشیده نشود و فعالین، جامعه شناسان و روانشناسان و آزادیخواهان، هر کدام به نوبه‌ی خود سهم خود را برای برقراری دموکراسی و آزادی ادا نکنند شاهد نسل کشی‌های گسترده‌تر و فجایع بزرگتر از خاوران و قتل عام مردم بلوچ و همچنین ملت کورد و دیگر ملت‌ها و نیز تمامی تنوعات اجتماعی دیگر خواهیم بود. مورد بسیار مهم و حائز اهمیت این است که هم اکنون همگی شاهد هستیم که حقوق زنان و حتی حیات نرمال آنها در این حکومت‌ها مورد تهدید است و نقش آفرینی و زندگی بخشی که هنر اصلی زنان در طول تاریخ بوده است وجود ندارد و نگاه عمده به آنها بعنوان ابزار جنسی و تولید مثل می‌باشد. در این بحبوحه تاریخی می‌بینیم که علیه زنان با کوچکترین کنش سیاسی و اجتماعی، سنگین‌ترین احکام و بخصوص حکم غیرانسانی اعدام به روش مرسوم حلق آویز کردن صادر می‌شود. که نمونه‌های زیادی در همین چند سال گذشته بخصوص بعد از انقلاب "ژن ژیان نازادی" به چشم می‌خورد و بسیار نگران‌کننده و به نوبه‌ی خود وحشتناک و قابل تامل است برای نمونه از جمله اعدام شخصیت‌های زن می‌توان به اجرای حکم اعدام زنانی همچون لیلا بامری و... نام برد که طی تحقیقات ویژه و شفاف از زندگی این جانباختگان و محکومان مشخص شده که این افراد خود یا با مشکل کودک همسری یا با خشونت خانگی، آداب و ضدفرهنگ‌های گوناگون و مشکلات اقتصادی و معیشتی که مسلماً عامل بوجود آورنده‌ی آن ناکارآمدی و فساد سیستمی رهبران این جوامع می‌باشد درگیر بوده‌اند.

علاوه بر احکامی که مربوط به گذشته بوده و اجرا شده‌اند این سیر صعودی خشونت علیه افراد جامعه و احکام صادره جدید اعدام برای زندانیان سیاسی، فعالین مدنی،

بخصوص زنان جامعه، مستلزم موضع‌گیری جدی تمامی مردم و سازمان‌هاست. لازم است احکام اسلامی ماقبل تاریخی بغي و سب نبی برای زندانیان سیاسی از جمله پخشان عزیزی و وریشه مرادی بشدت محکوم گردد زیرا اگر با تمام قوا و بصیرت و مبارزه روشن در مقابل این حکم غیر انسانی نایستیم شاهد اعدام‌های بیشتری خواهیم بود.

آماري از قربانیان اعدام

با وجود اینکه دستگاه‌های قضایی و نیز رسانه‌های دولتی ایران هیچگاه آمار و اطلاعات دقیق و روشنی از اجرای احکام اعدام ارائه نمی‌دهند اما آمارهایی که از طریق فعالین و نهادهای حقوق بشری گزارش می‌شوند نشان از افزایش آمارها دارد بطوریکه در دو سال اخیر اجرای حکم اعدام افزایشی ۸۰ درصدی داشته است. در سال ۲۰۲۲ اعدام ۲۴ زن در کل جهان ثبت شده است که از این تعداد ۱۶ اعدام در ایران به اجرا در آمده است. در سال ۲۰۲۳ میلادی نیز ۷۵ درصد کل اعدام‌های ثبت شده در جهان مربوط به ایران بوده است. در همین سال حاکمیت ایران با اعدام بیش از ۲۲ زن، رتبه نخست اعدام زنان در جهان را داشته است. در سال میلادی جاری نیز اجرای بیش از ۸۰۰ حکم اعدام صورت گرفته که حداقل ۲۱ زن در میان آنان بوده‌اند. آمار به ثبت رسیده و مورد تایید سازمان حقوق بشر ایران نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۰ تا کنون ۲۰۰ مورد اعدام زنان در شهرهای ایران به اجرا درآمده است.

فهرست زیر اسامی زنان اعدام شده در زندان‌های جمهوری اسلامی در طی دو سال گذشته است که اسامی و مشخصات آنان برای نهادهای حقوق بشری محرز گشته است.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱	معصومه زارعی	۴۰	۲۳ آذر ۱۴۰۰	زندان آمل

بیوگرافی: معصومه زارعی متولد سال ۱۳۶۰ بود که از سال ۱۳۹۳ به مدت ۷ سال در زندان به سر می‌برد. بر اساس اطلاعات منتشر شده از اطرافیانش، معصومه از سوی همسر معتادش تحت شکنجه و خشونت خانگی بود و به دلیل نداشتن حق طلاق امکان جدایی از همسرش را نداشت. وی از همسرش یک دختر داشت که وقتی معصومه ۱۹ سال داشته دخترش به دنیا آمده و وقتی دخترش ۱۴ ساله بود معصومه به جرم مشارکت در قتل همسرش به زندان افتاد. در نهایت در سال ۱۴۰۰ با پافشاری شاکی‌ها یعنی پدر و مادر همسرش به اعدام محکوم شد این در حالی است که منابع نزدیک به معصومه از تلاش دخترش برای جلب رضایت شاکی‌ها خبر داده اند. در نهایت وی در ۲۳ آذر ۱۴۰۰ در ساختمان اداره زندان آمل اعدام شد و بر طبق اخبار ۲۰ دقیقه او را بر چوبه دار نگه داشتند. اطلاعات دقیقی از محل دفن وی در دسترس نیست.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲	فاطمه اصلانی	۴۰	۲۸ آذر ۱۴۰۰	زندان دستگرد اصفهان

بیوگرافی: فاطمه اصلانی اهل شهر سهرورویروزان اصفهان بود که از سال ۱۳۹۱ به اتهام قصد همکاری وی با شخص دیگری برای قتل همسرش در زندان به سر می‌برد. وی بارها در دادگاه گفته بود بی‌گناه است اما به دلیل اتهام همکاری وی با قاتل همسرش و خروج قاتل از ایران، فاطمه را در نهایت در زندان دستگرد اعدام کردند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۳	خاتون حمیدی	۲۳	۱۶ بهمن ۱۴۰۰	زندان مرکزی قزوین

بیوگرافی: خاتون حمیدی متولد سال ۱۳۷۷ بود که از سال ۱۳۹۵ به اتهام قتل نامزدش در زندان به سر می‌برد. پدر وی عبدالرسول حمیدی، خاتون را در حالیکه هنوز ۱۸ سالش نشده بود وادار به ازدواج با شخص ثروتمندی کرده بود. او که قربانی ازدواج اجباری بود در نهایت مرتکب قتل نامزدش شد. وی در سال ۱۴۰۰ در زندان مرکزی قزوین (چوبین در) اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۴	لادن ملا سعیدی		۴ خرداد ۱۴۰۱	زندان قرچک ورامین

بیوگرافی: اطلاعات دقیقی از زمان شروع محکومیت وی در دسترس نیست اما بر طبق گزارش‌ها، لادن ملاسعیدی به اتهام قتل عمد زندانی شده بود و تمام طول دوران محکومیتش را در زندان قرچک ورامین گذرانده بود. وی در نهایت در چهارم خرداد ماه ۱۴۰۱ در زندان قرچک ورامین اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۵	رباب دانایی		۳۰ تیر ۱۴۰۱	زندان مرکزی یزد

بیوگرافی: رباب دانایی به اتهام قتل عمد در زندان محبوس بود که در تیرماه ۱۴۰۱ اعدام شد. برخی از منابع خبری می‌گویند که وی لحظاتی پیش از اعدام به دلیل فشار روحی از حال رفته بود اما همچنان حکم وی اجرا شد. اطلاعات دقیقی از زمان طول حبس وی در دسترس نیست.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۶	سهیلا عابدی	۳۳	۵ مرداد ۱۴۰۱	زندان مرکزی سنندج

بیوگرافی: سهیلا عابدی متولد سال ۱۳۶۸ بود که به اتهام قتل همسرش از سال ۱۳۹۳ در زندان مرکزی سنندج در بند کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برد. وی که ساکن روستای اسلام آباد شهرستان بیجار بود در سن ۱۵ سالگی با محبعلی کارگر ازدواج کرده بود و در واقع قربانی کودک همسری بود. سهیلا عابدی در مرداد ماه ۱۴۰۱ در زندان مرکزی سنندج اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۷	فرانک بهشتی		۵ مرداد ۱۴۰۱	زندان مرکزی ارومیه

بیوگرافی: فرانک بهشتی اهل تکاب آذربایجان غربی که از سال ۱۳۹۶ در زندان‌های مهاباد و ارومیه محبوس بود به اتهام قتل عمد همسرش در زندان به سر می‌برد. وی در مرداد ماه ۱۴۰۱ در زندان مرکزی ارومیه اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۸	صنوبر جلالی	-	۵ مرداد ۱۴۰۱	زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر)

بیوگرافی: صنوبر جلالی که تبعه افغانستان بود به جرم قتل همسرش در زندان قرچک ورامین محبوس شد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از یکی از همبندی‌هایش، قرار شده بر طبق قوانین افغانستان

بخشی از دیه پرداخت شود و در ازای مابقی دیه حبس بکشد اما در نهایت در مرداد ۱۴۰۱ در زندان گوهردشت کرج اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۹	مولود ملازاده		۱۲ آذر ۱۴۰۱	زندان دستگرد اصفهان

بیوگرافی: مولود ملازاده به مدت ۵ سال یعنی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ به جرم قتل در زندان محبوس بود. وی که به اتهام قتل پدرشوهش زندانی شده بود در نهایت در پاییز ۱۴۰۱ در زندان دستگرد اصفهان اعدام شد. بر طبق اخبار منتشر شده، ملازاده ۳ روز قبل از اعدامش را در سلول انفرادی به سر برد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۰	فریبا حسینی		۲۵ بهمن ۱۴۰۱	زندان فردیس کرج

بیوگرافی: وی که مادر دو فرزند بود در سال ۱۳۹۵ به جرم قتل عمد زندانی شد.

وی در نهایت در سال ۱۴۰۱ در زندان فردیس کرج اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۱	لیلا بامری		۸ اسفند ۱۴۰۱	زندان بندرعباس

بیوگرافی: لیلا بامری زن بلوچ اهل روستای (پنگ) شهرستان رودبار جنوب کرمان بود که در سال ۱۳۹۹ در شهر بندرعباس به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شد. او مادر دو فرزند بود که حکم اعدام او در اسفند ۱۴۰۱ زندان بندرعباس به اجرا درآمد و آن زمان هر دو کودک او زیر ۸ سال سن داشتند. به گفته کمپین فعالین بلوچ، حکم لیلا بامری در حالی اجرا شد که به خانواده او خبر نداده بودند و پس از اعدام وی، طی یک تماس تلفنی اجرای حکم را به خانواده او خبر دادند. پیکر او در روستای پنگ به خاک سپرده شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۲	مریم نجار		۲۸ اسفند ۱۴۰۱	زندان دستگرد اصفهان

بیوگرافی: مریم نجار در سال ۱۳۹۸ به اتهام قتل عمد همسرش دستگیر شد. او دوران محکومیت خود را در زندان نجف آباد گذراند و در نهایت در آخرین روزهای اسفند ۱۴۰۱ اجرای حکم اعدامش به زندان دستگرد اصفهان فرستاده و حکم اعدامش اجرا شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۳	مدینه سبزواری	۳۹	۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲	زندان بیرجند

بیوگرافی: مدینه سبزواری زن بلوچ اهل منطقه شیرآباد زاهدان و مادر ۵ فرزند بود که به اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر بازداشت شده بود. حکم اعدام وی در نهایت در اردیبهشت

ماه ۱۴۰۲ به اجرا درآمد. بر اساس آمار منتشر شده از کمپین فعالین بلوچ، همزمان با اعدام مدینه سبزون طی ۷۲ ساعت نزدیک به ۱۲ زندانی بلوچ با اتهامات مشابه اعدام شدند. حکم مدینه در زندان بیرجند به اجرا درآمد و از محل دفن وی اطلاعی از سوی خانواده او منتشر نشده است.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۴	منیره نوری کیا	۳۵	۷ خرداد ۱۴۰۲	زندان مرکزی مشهد

بیوگرافی: پدر او اهل کرکوک در جنوب کردستان و مادرش ایرانی بود. به گفته برخی از منابع خبری وی از سال ۱۳۹۹ به اتهام قتل عمد در زندان به سر می برد. وی که به گفته منابع نزدیک به او قربانی کودک همسری بود در سن ۱۴ سالگی به اجبار ازدواج کرده بود. در نهایت منیره در خرداد ۱۴۰۲ در سن ۳۵ سالگی در زندان مرکزی مشهد اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۵	افسانه شهیکی	۵۰	۱۱ تیر ۱۴۰۲	زندان مرکزی کرمان

بیوگرافی: افسانه شهیکی متولد سال ۱۳۵۲ ساکن بم بود که در ۴۲ سالگی به جرم قتل عمد بازداشت شد. این زن بلوچ که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ در زندان بود سرانجام در تیر ماه همان سال در زندان مرکزی کرمان اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۶	منیره سیادت	۳۲	۱۸ تیر ۱۴۰۲	زندان مرکزی اصفهان

بیوگرافی: منیره سیادت در سال ۱۳۹۹ به جرم قتل عمد دستگیر شد. وی که به شغل خیاطی مشغول بود به گفته منابع مطلع، به اجبار به ازدواج با همسرش در آمده بود. سرانجام در تیر ۱۴۰۲ منیره در سن ۳۲ سالگی در زندان مرکزی اصفهان اعدام شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۷	فرضیه شکرالهی		۱۸ تیر ۱۴۰۲	زندان مرکزی اصفهان

بیوگرافی: اعدام فرضیه شکرالهی در تیر ۱۴۰۲ همزمان با اعدام منیره سادات بود. شکرالهی که از سال ۱۳۹۷ به اتهام قتل عمد در زندان بود سرانجام در تیر ۱۴۰۲ اعدام شد. اطلاعات چندانی از محل دفن او از سوی خانواده اش منتشر نشده است.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۸	فاطمه یوسفی		۲۱ تیر ۱۴۰۲	زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر)

بیوگرافی: فاطمه یوسفی که به جرم قتل عمد در زندان بود در تیر ماه ۱۴۰۲ پس از انتقال

وی از زندان قرچک به زندان گوهردشت کرج اعدام شد. هیچ کدام از رسانه‌های حکومتی مانند باقی اعدام‌ها خبری از وی منتشر نکردند از این رو اطلاعات دقیقی از احکام وارده به او در دسترس نیست.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۱۹	رقیه عابدینی	۴۰	۱۹ مرداد ۱۴۰۲	زندان مرکزی همدان

بیوگرافی: رقیه عابدینی متولد تبریز در سال ۱۳۹۹ به اتهام قتل عمد همسرش در همدان دستگیر و زندانی شد. سه سال پس از گذراندن دوران محکومیت خود در سن ۴۰ سالگی در زندان الوند (زندان مرکزی همدان) به دار آویخته شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۰	محبوبه روشن دل	۳۰	۱۳ شهریور ۱۴۰۲	زندان مرکزی مشهد

بیوگرافی: وی در ۲۷ سالگی در حالیکه مادر یک کودک شیرخوار بود به اتهام قتل بازداشت شد. محبوبه تا پیش از اجرای حکم اعدامش در شهریور ۱۴۰۲ در بند زنان زندان وکیل آباد بود. در نهایت در سن ۳۰ سالگی در زندان مرکزی مشهد اعدام شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که در طول سه سال حبس محبوبه، اجازه دیدن فرزندش را به او نداده‌اند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۱	مریم فروغ منش		۱۰ آبان ۱۴۰۲	زندان مرکزی یاسوج

بیوگرافی: مریم فروغ منش که اهل دهدشت از توابع کهگیلویه و بویر احمد بود در آبان ماه ۱۴۰۲ در زندان مرکزی یاسوج اعدام شد. وی به جرم قتل عمد در زندان بود اما اطلاعات چندانی از مدت زمان زندانی بودن وی در دسترس نیست.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۲	زرخاتون مزارزهی	۴۶	۲۴ آبان ۱۴۰۲	زندان مرکزی کرمان

بیوگرافی: زرخاتون مزارزهی متولد سال ۱۳۵۶ و مادر یک دختر بود. وی در سال ۱۳۹۶ به اتهام حمل مواد مخدر در پلیس راه کرمان به شیراز بازداشت شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که زرخاتون از شدت فقر و تنگدستی قبول کرده بود بسته‌ای را که از محتوای آن خبر نداشت به شیراز ببرد. در نهایت در آبان ۱۴۰۲ حکم اعدام وی در زندان مرکزی کرمان اجرا شد. افراد آگاه به زندگی او بیان کرده‌اند که خانواده زرخاتون از شدت فقر و تنگدستی توان گرفتن وکیل برای او را نداشته‌اند و حتی پس از اعدام او، با کمک مالی دیگران توانسته‌اند آمبولانسی را برای جابجایی پیکر او تامین کنند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۳	سمیرا سبزیان فرد	۲۸	۲۹ آذر ۱۴۰۲	زندان قزلحصار کرج

بیوگرافی: سمیرا سبزیان فرد متولد سال ۱۳۷۴ و اهل خرم آباد استان لرستان بود. وی که قربانی کودک همسری بود و در ۱۵ سالگی ازدواج کرده بود در سال ۱۳۹۳ به اتهام قتل همسرش زندانی شد. او مادر دو فرزند بود و به گفته نزدیکانش قربانی خشونت خانگی بود. سرانجام در آذر ۱۴۰۲ با پافشاری اولیای دم، حکم سمیرا سبزیان فرد به اجرا در آمد و در زندان قزلحصار کرج به دار آویخته شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۴	نسیم نمازی	۵۴	۸ دی ۱۴۰۲	زندان مرکزی ارومیه

بیوگرافی: وی زندانی اهل ارومیه بود که در آبان ماه ۱۴۰۰ به اتهام جاسوسی برای اسرائیل دستگیر و به اعدام محکوم شد. به گزارش خبرگزاری‌ها، نسیم نمازی به مدت چند ماه در سلول انفرادی اداره اطلاعات ارومیه مورد شکنجه شدید جسمی و روحی بود. وی در نهایت در دی ماه ۱۴۰۲ و در سن ۵۴ سالگی در زندان مرکزی ارومیه اعدام شد. به نقل از منابع مطلع به خانواده نسیم نمازی اعلام کرده بودند که جسد وی به آنها تحویل داده نخواهد شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۵	هاجر اتابکی	۴۱	۲۰ دی ۱۴۰۲	زندان مرکزی قزوین

بیوگرافی: وی اهل تبریز و مادر یک فرزند بود. او در سال ۱۳۹۹ به اتهام مرتبط با مواد مخدر دستگیر و مدتی بعد به اعدام محکوم شد. در نهایت در دی ماه ۱۴۰۲ در زندان مرکزی قزوین حموی اجرایی شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۶	زهرا نظریان	۲۷	۱۱ بهمن ۱۴۰۲	زندان سبزواری

بیوگرافی: او از سال ۱۳۹۸ و در سن ۲۳ سالگی به اتهام قتل شوهر خواهرش بازداشت و سپس به اعدام محکوم شد. در نهایت زهرا نظریان در بهمن ۱۴۰۲ و در سن ۲۷ سالگی در زندان سبزواری به دار آویخته شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۷	مرجان حاجی زاده	۱۹	۲۳ فروردین ۱۴۰۳	زندان مرکزی زنجان

بیوگرافی: وی به همراه همسرش در سال ۱۴۰۰ به اتهام مربوط به مواد مخدر بازداشت شد. وی که قربانی کودک همسری بود و به زور و اجبار ازدواج کرده بود در هنگام بازداشت تنها ۱۶ سال سن داشت. مرجان در نهایت به همراه همسرش به اعدام محکوم شد و حکم او در

فروردین ۱۴۰۳ در زندان مرکزی زنجان به اجرا در آمد. اجرای این حکم در حالی است که منابع نزدیک به مرجان اعلام کرده بودند که مرجان اطلاعی از حمل مواد توسط همسرش نداشته است اما با این وجود بی‌گناه پای چوبه دار رفت.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۸	ثریا محمدی		۵ اردیبهشت ۱۴۰۳	زندان قزلحصار کرج

بیوگرافی: وی از سال ۱۴۰۱ در زندان قرچک ورامین در حبس به سر می‌برد. ثریا که اهل پاکدشت بود به اتهام قتل عمد بازداشت شده بود. در نهایت در سال ۱۴۰۳ حکم اعدام او در زندان قزلحصار کرج اجرایی شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۲۹	فریبا محمدزهی	۳۷	۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳	زندان مرکزی کرمان

بیوگرافی: این زن بلوچ اهل زاهدان در سال ۱۴۰۱ به اتهامات مربوط به مواد مخدر در ایست بازرسی راین کرمان دستگیر شد. او که مادر دو دختر ۱۶ و ۱۸ ساله بود در اردیبهشت ۱۴۰۳ در زندان مرکزی کرمان به دار آویخته شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تاریخ اعدام	محل اعدام
۳۰	پروین موسوی	۵۳	۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳	زندان مرکزی ارومیه

بیوگرافی: او که اهل مراغه بود در سال ۱۳۹۹ به اتهام حمل ۵ کیلوگرم مرفین بازداشت شد. او که مبتلا به سرطان بود گفته بود که اطلاعی نداشته این ماده مخدر است چون به او گفته بودند که این محموله دارو و برای مصارف پزشکی است و او هم در ازای ۵۰۰ هزار تومان قبول کرده بود که این محموله را جابجا کند. او که مادر دو پسر ۳۲ و ۲۲ ساله بود در حالی که محسنی اژه‌ای قول آزادی‌اش را داده بود در اردیبهشت ۱۴۰۳ در زندان مرکزی ارومیه اعدام شد.

مقاومت زنان مبارز محکوم به اعدام در سابق و اکنون

زندان را می‌توان آیینی تمام‌نمای هر جامعه‌ای فرض کرد. سیاست‌های اعمال شده بر روی جامعه را می‌توان از شیوهی برخوردشان با زندانیان و بویژه زنان دانست. کشوری که از لحاظ جمعیتی رتبه ۱۷ در جهان را دارد اما از لحاظ تعداد زندانیان با در نظر گرفتن آمار غیر واقعی و نادرست دولتی، در رده ۱۰ کشور نخست جهان قرار دارد. در طول حاکمیت این رژیم، آمار زندانیان نسبت به قبل از انقلاب نزدیک به ۳۰ برابر شده است. بدون شک آمار زنان زندانی و رشد آن در طول چهار دهه حاکمیت این رژیم بسیار بالاتر از میزان رشد جمعیت کل زندانیان می‌باشد. وجود زندان‌های مخوف و پنهان سازمان اطلاعات سپاه و اداره اطلاعات در استانهای اورمیه، سنه و کرمانشان نزدیک به ۶ زندان و بازداشتگاه می‌باشد که جزو سازمان زندان‌ها نبوده و هیچ آمار رسمی و آگاهی از تعداد و وضعیت زندانیان محبوس در این شکنجه‌گاهها آشکار نمی‌شود.

بدون شک در برابر اجرای سیاست‌های ضد انسانی، جامعه بدون واکنش نخواهد ماند. در طول حاکمیت این رژیم همواره مبارزه برای آزادی و بهبود اوضاع جامعه در جریان بوده است. بسیاری از فرزندان این جامعه برای دفاع از آزادی‌ها در راستای یک زندگی ارزشمند و سزاوار انسانی در تلاش و مبارزه بوده‌اند. در میان این مبارزان نیز، زنان همچون دیگر عرصه‌های زندگی و اجتماعی نقش و تاثیر بسزایی دارند. حضور پررنگ و فعال زنان در تمامی سطوح مبارزاتی از طرفی نشان از مسئولیت‌پذیری این قشر در برابر جامعه و از طرف دیگر نشان از ابعاد وسیع حملات رژیم علیه جامعه و بویژه زنان است. اشاره و بازگویی تاریخ مبارزاتی زنان در ایران و شرق کوردستان در توان و اهداف این نوشتار نیست لیک با اشاره به وضعیت برخی از پیشگامان مبارزاتی زنان در زندان سعی بر آن خواهیم داشت تا گوشه‌ای از ستم مضاعف این حاکمیت را بازگو کنیم.

زینب جلالیان

زینب جلالیان تنها زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد اهل ماکو می‌باشد که اکنون در زندان یزد محبوس است. وی ۱۷ سال پیش در اسفند ۱۳۸۶ در کرمانشان دستگیر شد و ماه‌ها در سلول‌های انفرادی بازداشت و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت. در این مدت ۱۷ سال در زندان‌های کرمانشان، سنه، خوی، قرچک و رامین، کرمان و در نهایت در زندان یزد دوران حبس خود را سپری کرده است.

زینب جلالیان پس از دستگیری و دوران بازجویی طی یک دادگاه چند دقیقه‌ای و بدون داشتن وکیل و حق دفاع در سال ۱۳۸۸ به اتهام محاربه و اقدام علیه امنیت ملی با عضویت در حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک، به سزای اعدام محکوم شد. در پی اعتراضات داخلی و خارجی از طرف نهادهای بین‌المللی و شخصیت‌های مختلف این حکم با یک درجه تخفیف و به حبس ابد کاهش یافت.

زینب جلالیان در دوران حبس به بیماریهای خطرناکی مبتلا و از حق رسیدگی پزشکی محروم ماند. ضعف شدید بینایی، برفک دهان، آسم و مشکلات کلیوی و گوارشی و نیز کرونا از جمله بیماری‌هایی هستند که از آن رنج برده و سلامت او را به خطر انداخته است. از دلایل محروم ماندن وی از رسیدگی پزشکی و امکان دسترسی به درمان، مخالفت های اداره اطلاعات می‌باشد که آن را منوط به اعتراف تلویزیونی وی کرده است.

زینب جلالیان در نامه ای این گونه از وضعیت خود در زندان می‌نویسد: "لباس‌های مرا بر روی تنم پاره کردند، چشم‌هایم را بستند، دست و پایم را با زنجیر به تخت آهنی بستند و شکنجه وحشتناک مرا شروع کردند. با کابل به زیر پاهایم شلاق زدند، پاهایم خیلی وحشتناک متورم و کبود شده بودند. این قدر مرا شکنجه کردند که دیگر هیچی را احساس نمی‌کردم، تمام تنم بی‌حس شده بود و دیگر اختیار جسمم را نداشتم. اگر بگویم قلم از نوشتن درد و رنجم قاصر است، مبالغه نکرده‌ام. چون من فقط قسمت کمی از شکنجه‌هایم را برای شما بازگو کردم."

در مقابل شکنجه‌ها، فشارهای روحی و روانی، عدم اجازه ملاقات با خانواده و ناپدیدسازی از طرف نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و نیز احکام ضد انسانی بیدادگاه‌های رژیم، این مبارز زن با مقاومتی ستودنی بر باوری خویش اصرار ورزیده و هیچگاه تسلیم خواست درخیمان و سیستم دولتی نشده است. در طی دوران حبس بارها با اعتصاب غذا و اعلام موضع و نشر نامه، نه تنها صدای خود بلکه همیشه صدای هم‌نوعان بویژه آزادیخواهان در بند بوده است. همچنانکه در نامه ای دیگر می‌گوید: "درد من، نه در بند بودن، بلکه نبود آزادی و از دست دادن آنانی است که فریاد آزادی‌خواهی‌شان را نخواهیم شنید. تا زنده‌ام می‌کوشم خون‌شان پایمال نشود."

پخش‌ان عزیز

پخش‌ان عزیز دیگر زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد می‌باشد که در مرداد ماه سال ۱۴۰۲ در تهران دستگیر شد. وی قبلاً نیز در سال ۱۳۸۸ و در تجمع اعتراضی دانشجویان

توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بود. این فعال حقوق زنان و مددکار اجتماعی پس از دستیگری و در دوران بازجویی بارها مورد شکنجه قرار گرفت. پخشان عزیزی در نامه‌ای اشاره می‌کند که "بارها در بازجویی به دار می‌کشیدندش، ۱۰ متر به قعر زمین فرو می‌بردندش، باز بیرون می‌آوردند و از زیرزمین بیرون می‌کشیدندش. سرخورده و شکست‌خورده‌ی اجتماعی قلمدادش می‌کردند!".

وی نزدیک به یک سال پس از دستگیری توسط دادگاه انقلاب تهران به اتهام بغی و عضویت در احزاب مخالف نظام به اعدام محکوم شد. رژیم با اعمال فشار از طرق مختلف سعی بر تسلیم گرفتن اراده این زندانی سیاسی کورد نمود. شکنجه‌های جسمی و اتهامات بی اساس و همچنین اعمال فشار بر خانواده و حتی دستگیری برخی از خانواده از جمله اقدامات وحشیانه حاکمیت در برابر پخشان عزیزی است. ممانعت از دسترسی به درمان‌های پزشکی و همینطور عدم اجازه دیدار و ملاقات با خانواده نیز بخش دیگری از کینه توزی‌های رژیم در برابر زندانیان سیاسی است که در مورد نقض حقوق پخشان عزیزی صدق می‌کند.

اما استقامت و اراده پخشان عزیزی در مقابل سیستم شکنجه‌گر و ضد زن جمهوری اسلامی بیانگر این حقیقت است که اصرار وی اصرار بر عدالت و حقیقت است. بدون شک برای یک مبارز آزادیخواه نیز مقاومت در برابر هر گونه شکنجه و بی عدالتی نه از روی ناچاری بلکه یک رسالت و مسئولیت محسوب می‌شود که پخشان عزیزی و دیگر زندانیان سیاسی زن این رسالت را به درستی به انجام رسانده اند. وی در نامه‌ای سرگشاده که در تیرماه سال جاری منتشر شد در مورد خط مشی مبارزاتی خویش این چنین می‌نویسد: "اعتقاد به فلسفه‌ی رهبر آپو که به عنوان یک جامعه‌شناس تحلیل‌های عمیقی از فضای خاورمیانه و کوردستان ارائه داده و با توطئه‌ی بین‌المللی ۱۹۹۹، اکنون ۲۵ سال است که در زندان انفرادی امرالی به سر می‌برد، اتخاذ شیوه‌های مددکارانه را خارج از سیستم دولت-ملت برگزیده‌ام و این شرافت است".

پخشان عزیزی در همین نامه و در خصوص صدور حکم اعدام برای خود و شریفه محمدی دیگر زندانی سیاسی می‌گوید: "شریفه محمدی، من و دیگر زنانی که در صف اعدام‌اند، اولین و آخرین زنانی نیستیم که به صرف جستجوی زندگی آزاد و باشرافت محکوم گشته‌ایم و می‌گردیم. اما تا جانی داده نشود، آزادی نیز محقق نمی‌گردد. بهای آزادی سنگین است. جرم‌مان پیوند دادن زن، ژیان، نازادی است"، و اینگونه می‌توان گفت که پخشان عزیز و دیگر رفقاییش پیام آوران و پیشگامان راستین انقلاب "زن ژیان

شریفه محمدی

آذرماه سال ۱۴۰۲ شریفه محمدی فعال حقوق زن و حقوق کارگران و از فعالین مخالف حکم اعدام به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» در منزل شخصی خود در شهرستان رشت دستگیر شد. پس از دستگیری او را به بازداشتگاه اداره اطلاعات در س‌ندج منتقل می کنند و در طول بازداشت توسط ماموران بازداشتگاه مورد شکنجه و فشار جهت اعترف و پذیرش اتهامات قرار می گیرد.

شریفه محمدی پس از هشت ماه از دستگیری در تیرماه سال ۱۴۰۳ توسط دادگاه انقلاب رشت به اتهام "بغی" محکوم به اعدام می گردد. اتهام عضویت در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" و انتساب این کمیته به احزاب مخالف و خارج از کشور از طرف اداره اطلاعات تنها برای مشروعیت بخشیدن به حکمی از قبل تعیین شده بیشتر نبود، چون هم شریفه محمدی و هم این کمیته این اتهام را رد کرده و این کمیته انتساب آن به تشکیلات خارج از کشور را «بهانه‌ای برای سرکوب فعالان اجتماعی و تشکل‌های کارگری» توصیف کرده است. اعمال شکنجه در طول بازجویی در بازداشتگاه‌های مختلف، فشار و دستگیری اعضای خانواده و عدم اجازه ارتباط با بیرون همچون دیگر زندانیان سیاسی، از اقدامات ستمکارانه رژیم برای گرفتن اعتراف اجباری از شریفه محمدی بود.

اما پس از اعتراضات گسترده از جانب گروهها و سازمان های داخلی و خارجی و نیز پشتیبانی زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم و برگزاری کمپین و اعتصابات گسترده علیه صدور احکام اعدام علیه شریفه محمدی این حکم در دیوان عالی رژیم نقض شد.

وریشه مرادی

"داعش سر می‌بُرد، جمهوری اسلامی نیز سر به دار می‌کشد".

این جمله برگرفته از نامه وریشه مرادی زندانی سیاسی است که در پی صدور حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی به افکار عمومی منتشر نمود. اعتراضی رادیکال علیه حکم اعدام از سوی یک زندانی سیاسی زن کورد که متعاقباً این حکم علیه خود وی نیز صادر شد.

وریشه مرادی مبارزی از شهرستان سنه و عضو جامعه زنان آزاد شرق کردستان

(کژار) در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت و ماه‌ها ناپدید ماند. وریشه در نامه و دفاعیه‌ی خود در مورد دستگیری خود اینچنین می‌نویسد: "در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۲ در پلیس راه سنندج- کامیاران توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شدم، تیراندازی، شکستن شیشه‌های ماشین، شکنجه و تعرض فیزیکی در لحظه‌ی دستگیری، جنگ روانی، بازجویی در سلول انفرادی (شکنجه‌ی سفید) به دور از چشم دوربین‌ها به منظور عدم ثبت برخوردها و تعرض غیراخلاقی‌شان، مواخذه در برابر دوربین برای تحقیر اراده و فشارهایی که در طول ۱۳ روز حضور در اطلاعات سنندج متحمل شدم، بخشی از فشارهای تحمیل شده بر من است. آنان وحشی‌ام خواندند و گفتند زنانگی‌ات را از دست داده‌ای! چراگریه نمی‌کنی؟ آخرین بار که گریستی چه زمانی بود؟ آخرین بار کی گلی را بوییده‌ای؟"

سپس مرا به بند ۲۰۹ بازداشتگاه اوین منتقل کردند، در آنجا به مدت چهار ماه و نیم در بازجویی‌ها، تحت فشارهای بسیار، از جمله شکنجه‌های سفید، سناریوسازی‌های متناقض و فریبنده و تهدید به ترور شخصیت، گرفتن اعتراف اجباری و ... نگه داشته شدم. سردردهای شدید و خون‌ریزی‌های مداوم (از ناحیه‌ی بینی)، شدیدتر شدن دردهای گردن و کمر، ارمغان روزهای حضورم در سلول انفرادی بود.

به عبارتی، همان بلایی را که احتمال داشت نیروهای استخباراتی ترکیه بر سرم بیاورند، وزرات اطلاعات ایران به انجام رسانید. در تاریخ ۵ دی ماه ۱۴۰۲ به بند زنان اوین منتقل شدم. در نهایت در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام «عضویت در گروه‌های معارض» و «بغی» تفهیم اتهام شدم". زندگی مبارزاتی وریشه مرادی در مبارزه با جهل و ستم داعش‌های منطقه و تبدیل نمودن زندان به میدانی دیگر برای پیکار با زن ستیزان و دشمنان آزادی، ادامه راه عصیانگرانی چون شیرین علم‌هولی است. مبارزانی که جان دادند اما از اعتقاد و آرمان‌های خویش پا پس نکشیدند.

اگرچه بسیار دیده‌ایم زندانیانی که بموجب سنگین‌تر نشدن احکام و جرایم پرونده‌اشان پس از دستگیری به سکوت یا اعترافات اجباری مبادرت ورزیده‌اند، اما پیشگامانی چون وریشه مرادی و رفقاییشان با استقامت و موضع رادیکال خود در زندان درس نویی از مبارزه و مبارز بودن را به ما یادآور شدند. ایشان یادآور رفقا و مبارزان قبل از خود هستند که حتی در زندان و تحت سنگین‌ترین احکام، مسئولیت خود در قبال جامعه و دین به خط مشی و اعتقاد به آزادیخواهی را فراموش نکرده‌اند. درسی که رهبر عبدالله اوجالان

در طول بیست و شش سال اسارت فیزیکی، همچون رفیق راستین زنان و آزادیخواهان، به ایشان آموخت.

وی با درکی درست از رنج‌های جامعه و نیز سیاست‌هایی که در منطقه اجرا می‌شوند، همزمان با روز جهانی مبارزه علیه اعدام طی انتشار نامه‌ای از اعتصاب غذای خود در زندان خبر داد. در این نامه چنین گفته است: "اجازه ندهید جنگ‌های فرامرز بر موضوع سرکوب‌های داخلی جامعه سایه بیفکند. تلاش من برای اعتصاب غذا در این راستاست. ما به هر قیمتی که شده اجازه نخواهیم داد صدای مبارزان داخلی که شجاعانه ایستاده‌اند در هیاهوی جنگ‌ها و ماجراجویی‌های بی‌فرجام گم شود". بدلیل وضعیت بد جسمانی و مشکلات سلامتی که پس از دوران بازجویی و شکنجه به وی روی آورده بود، تأثیرات اعتصاب غذا و خودداری وی از مداوا نیز مشکلات جسمی و سلامتی مضاعفی در پی داشت که سلامتی و ریشه را به خطر انداخته بود. بنا به درخواست جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار و فعالان حقوق بشری و دیگر نهاد و سازمان پس از بیست روز به اعتصاب غذای خود پایان داد.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی در طی حکمی غیر انسانی و به اتهام "بغی" و ریشه مرادی را به اعدام محکوم کرد. واکنش‌ها در برابر صدور و اجرای حکم اعدام؛

موضع و واکنش علیه اعکام غیر انسانی و خصوصاً حکم اعدام وظیفه اساسی یک جامعه پویا و جستجوگر آزادی است. اعدام سلب حیات و اقدامی وحشیانه است که بصورت مستقیم جامعه را هدف قرار گرفته است. صرف نظر از هر نوع جرمی این واقعیت اثبات گشته که اعدام نه تنها راهکاری برای جلوگیری از جرم نبوده بلکه اقدام به اعدام خود جرم محسوب گشته و به ترویج خشونت و قتل در جامعه می‌افزاید. هرچند رژیم سعی کرده با اجرای اعدام در ملاء عام ضمن ایجاد ترس در جامعه اعدام را عادی و طبیعی نشان دهد اما حکم اعدام همیشه از درون زندان گرفته تا گستره جامعه اعتراض و نارضایتی بدنبال داشته است.

در سالهای اخیر و با گسترش امکان ارتباط جمعی و دسترسی اکثریت به اطلاعات، موج این اعتراضات بلندتر و در بسیاری از موارد جهانی شده و گاهی مانع از اجرای اعدام گشته است. خصوصاً این امر در مورد جلوگیری از اعدام قصاص نتایج مطلوبی حاصل نموده و با آگاه شدن افکار عمومی مانع از اجرای برخی از اعدام‌ها شده است. اما در خصوص دیگر اعدام‌های حدی و کیفری متأسفانه در برخی موارد جامعه هنوز درگیر

ذهنیت‌های دینی و مردسالاری بوده و رژیم نیز از آن بهره برداری می‌کند. در رابطه با اجرای حکم اعدام فعالان و مبارزان، خوشبختانه واکنش و موضع‌گیری‌های شایسته‌ای و در شکل‌های مختلفی چون تجمعات گسترده، ایجاد کمپین‌های جهانی، اعتصابات عمومی و .. شکل گرفته است. هر چند در مورد زندانیان سیاسی محکوم به اعدام کمترین عقب‌نشینی از جانب حاکمیت صورت می‌گیرد اما بدون شک این اعتراضات موثر بوده و در حقیقت برداشتن سایه اعدام بر جامعه تلاش فراوان می‌طلبد. پشتیبانی از همه زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام وظیفه تمامی افراد جامعه با هر نوع نگرشی بوده و دفاع از حقوق و تضمین سلامت و جان آنان، دفاع از ارزش‌های جامعه می‌باشد، در پایان اشاره‌ای خواهیم داشت به بخشی از این فعالیت‌ها که پس از انقلاب "زن ژیان نازادی" و در اعتراض به صدور احکام اعدام سه زندانی سیاسی زن، شریفه محمدی، پخشان عزیزی و وریشه مرادی صورت گرفته است. با ارج نهادن به تمامی تلاش‌ها و مبارزات در این زمینه، که برداشتن یکی از موانع اساسی بر سر راه دموکراتیزه نمودن جامعه می‌باشد، با آرمان والا و خط‌مشی مبارزاتی‌شان تجدید پیمان می‌نماییم.

واکنش به احکام اعدام

همچنین به این موضوع باید اشاره نماییم که زنان بسیاری همچون گلرخ ایرانی، سکینه پروانه، نرگس محمدی و زنان بسیار دیگری در زندان فعالیت نموده‌اند و در برابر صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی و وریشه مردای، اعلان موضع نموده‌اند. اگرچه این گزارش تنها مختص به اعدام است، اما یادآوری فعالیت‌های زنان در زندان و تلاش برای آزادی‌شان از وظایف اصلی هر فرد، گروه و پلتفرم آزادیخواهی است. مطمئناً با همصدایی و اتحاد بیشتر می‌توانیم به سیاست‌های زن‌ستیزانه‌ی حاکمیت ایران پایان دهیم.

- اتحادیه مطبوعاتی زن - ی ر ژ، در غرب کوردستان، برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی با برگزاری کمپینی تحت عنوان "نه به اعدام" و جمع آوری ۳۶ هزار امضاء.
- راه اندازی کمپین «نه به اعدام بله به حیات آزاد» از سوی کژار و جمعی از فعالین آزادیخواه
- پرفورمنس هنری - سیاسی علیه اعدام در ایران به ابتکار عمل جامعه زنان آزاد شرق کوردستان در اروپا.
- حمایت سازمان چپ مداخله گر آلمان از کمپین راه‌اندازی شده جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار.
- موضع‌گیری معاون گروه هماهنگ کننده کنفرانس جهانی زنان پایه در اروپا در مورد وضعیت زنان محبوس در زندان‌های رژیم ایران از جمله شریفه محمدی، پخشان عزیزی و وریشه مردای.
- بیانیه‌ی حمایتی پلتفرم فراملیتی دموکراتیک زنان در محکومیت حکم اعدام پخشان عزیزی و شریفه محمدی
- اعلام پشتیبانی زنان غرب کوردستان و زنان زنوبیا در مناطق شمال و شرق سوریه به کمپین لغو مجازات اعدام در ایران.
- اعتصاب غذای زنان زندان لاکان رشت در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی.
- محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی از طرف بسی هوزات رئیس مشترک شورای اجرایی کنفدرالیسم دموکراتیک جوامع کوردستان.
- کنش زنان آفریقای جنوبی برای پشتیبانی از شریفه محمدی و پخشان عزیزی.

- مخالفت با اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی از سوی فعالان کلمبیایی.
- تجمعات قشرهای مختلف در سراسر ایران علیه حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی.

- تجمعات گسترده و سراسری در اروپا در مقابل سفارت‌های رژیم، با ابتکار عمل کمیته‌های جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار و حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک.
- در دست داشتن تصویر پخشان عزیزی پس از آزادی از زندان
- اعتصاب غذای زندانیان بند زنان اوین در حمایت و ریشه مرادی و پخشان عزیزی

- تجمعات و اعتراضات زنان کانتون‌های عفرین و شهبا در غرب کوردستان.
- فعالیت‌های اعتراضی زنان و مادران صلح در شهرهای شرق کوردستان در حمایت از شریفه محمدی و پخشان عزیزی.
- فراخوان گروه حقوق بشری «فرانت لاین دیفندرز» در یک اقدام فوری، خواهان آزادی شریفه محمدی شد.

- سندیکای کارگران ساختمانی در استرالیا در نامه‌ای به سفارت رژیم نسبت به صدور حکم اعدام برای این فعال کارگری اعتراض کرد و خواهان آزادی او شد.
- گوهر عشقی، مادرستار بهشتی و از مادران دادخواه شریفه محمدی را بی‌گناه نامبرده و از وی پشتیبانی نمود.

- ۱۶ زندانی زن از جمله نرگس محمدی، گلرخ ایرایی، آنیسا اسداللهی، ویدا ربانی و سپیده قلیان در بیانیه‌ای اعلام نمودند: "این نه فقط حکم اعدام شریفه، بلکه حکم اعدام همه‌ما، فعالان کارگری، سیاسی، مدنی، حقوق بشری و فعالان حوزه زنان است".
- اعتصاب غذای ۸۵ زندانی سیاسی در زندان اوین.

- سازمان عفو بین‌الملل از مقام‌های ایران خواست که فوراً حکم محکومیت و اعدام پخشان عزیزی را لغو کنند.

- زنان ایزدی و عراقی در ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۴ و در پایان سومین کنفرانس زنان عراق که به پیشاهنگی "انجمن زنان عراق" و "جنبش آزادی زنان ایزدی - تازه" در بغداد برگزار شد، در اعتراض به صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی و پخشان عزیزی بیانیه‌ای صادر کرده و در مخالفت با مجازات اعدام در ایران کمپینی را راه اندازی نمودند.

- زنان در ساراتوف روسیه حکم اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی را محکوم نمودند.

- محکومیت حکم اعدام وریشه مرادی از جانب جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار.
- آغاز اعتصاب‌های دوره‌ای از سوی کمیته‌های کژار در اروپا به منظور حمایت از اعتصاب غذای وریشه مرادی
- اعتراض و تجمع زنان زندان اوین در پی اعلام حکم اعدام وریشه مرادی.
- بیانیه اتحادیه زنان کوردستان در محکومیت حکم اعدام وریشه مرادی.
- بیانیه مشترک تشکل‌های دادخواهان کوردستان در محکومیت حکم اعدام وریشه مرادی.
- بیانیه‌ی پلتفرم فراملیتی دموکراتیک زنان در حمایت از اعتصاب غذای وریشه مرادی، راه‌اندازی کمپین‌های حمایتی از طریق جمع‌آوری ویدئو و شرکت در برنامه‌های گوناگون به منظور محکوم نمودن حکم اعدام وریشه مرادی
- بیانیه‌ی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
- کارزار زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران که با عنوان "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در حمایت از پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی با اعتصاب غذا انجام می‌گیرد با اعتراض به حکم اعدام وریشه مرادی .
- بیانیه حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک در محکومیت صدور حکم اعدام وریشه مرادی.
- پیام مادران صلح در شهرهای کوردستان در حمایت از وریشه مرادی و سه روز اعتصاب غذا
- راهپیمایی گسترده زنان غرب کوردستان در شهر قامشلو در اعتراض به حکم اعدام وریشه مرادی و شریفه محمدی و پخش‌ان عزیز.
- اعتراض کمپین حقوق بشر ایران به حکم اعدام وریشه مرادی.
- تجمع مادران صلح در شمال کوردستان در اعتراض به حکم اعدام وریشه مرادی
- پیام همبستگی و حمایت زنان سازمان راوا در افغانستان، از وریشه مرادی و پخش‌ان عزیز
- واکنش کنفدرالیسم دموکراتیک کوردستان به حکم اعدام برای وریشه مرادی و پخش‌ان عزیز
- پخش تراکتها و دیوارنویسی‌های جوانان در شهر سنه در حمایت از وریشه

مرادی و پخشان عزیزی

- بیانیه دادخواهان و فعالان حقوق بشر در محکومیت حکم اعدام و ریشه مرادی، پخشان عزیزی و سونامی اعدام ها در ایران
- نگرانی کمیته‌ی حقیقت یاب سازمان ملل از صدور حکم اعدام برای و ریشه مرادی
- بیانیه‌ی زنان فعال در جنوب کوردستان به منظور محکومیت حکم اعدام و ریشه مرادی و پخشان عزیزی
- بیانیه اتحادیه‌ی زنان سوسیالیست اروپا در راستای محکوم نمودن حکم اعدام برای و ریشه مرادی
- پیام هفت هم بندی پخشان عزیزی: امدادسانی به جنگ زدگان جرم نیست
- بیانیه‌ی قانون نویسندگان ایران به منظور محکومیت حکم اعدام و ریشه مرادی و پخشان عزیزی
- حمایت فعالان حقوق زنان در بخش‌های مختلف کوردستان، ایران، خاورمیانه و کشورهای اروپایی

ژن جيان ژاندي
jin jian azadi



KJAR





KJAR



کمیٲہ تحقیقاتی کٲار